

مجله مطالعات ایرانی

دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال هشتم، شماره ی پانزدهم، بهار ۱۳۸۸

روز و ماه تاج گذاری چند شهریار ساسانی در شاهنامه*

دکتر سجاد آیدنلو

استادیار دانشگاه پیام نور ارمیه

چکیده

شاهنامه متنی است حماسی با زمینه‌ی اساطیری که در بخش‌هایی از آن گزارش‌ها و اشارات تاریخی یافته می‌شود. مهم‌ترین اخبار تاریخی شاهنامه در روایات روزگار ساسانیان است که شاید به سبب جنبه‌ی ادبی و داستانی آن کمتر از آنچه باید، مورد توجه محققان تاریخ ایران باستان قرار گرفته است؛ در حالی که مأخذ بیشتر مطالب این بخش به واسطه‌ی شاهنامه‌ی ابومنصوری به خدای نامه‌ی مدوّن در عصر ساسانی می‌رسد و از این، نظر اصالت و سندیت درخور دقتی دارد. یکی از فواید تاریخی شاهنامه در حوزه‌ی ساسانی‌شناسی، اشاره به روز و ماه ایرانی تاج گذاری چند پادشاه این سلسله است که ظاهراً در منابع دیگر نیامده است. این شهریاران و تاریخ آغاز فرمانروایی آن‌ها به روایت فردوسی عبارتند از: بهرام گور (پنجم): هفدهم آذر ماه، انوشیروان (خسرو اول): بیستم خرداد، هرمزد (هرمز چهارم): روز ششم یکی از ماه‌ها که نام آن در شاهنامه نیامده است، به جانشینی پدر برگزیده می‌شود. بهرام چوبین (ششم): یازدهم آذر و شیرویه (قباد دوم): روز دی (هشتم، پانزدهم یا بیست و سوم؟) آذر ماه. نولدکه در کتاب تاریخ ایرانیان و عرب‌ها در زمان ساسانیان، روز و ماه تاج گذاری این چند پادشاه ساسانی را به تقویم میلادی داده است، ولی طبق قواعد تبدیل تاریخ میلادی به ایرانی و جدول‌های گاهنامه‌ی تطبیقی استاد بیرشک، هیچ یک از این تاریخ‌ها با اشارات شاهنامه مطابقت ندارد.

واژگان کلیدی

شاهنامه، تاریخ، ساسانیان، نولدکه.

* تاریخ دریافت مقاله: ۸۶/۱۰/۱۴ تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۷/۲/۱۰

۱- مقدمه

در سنت شاهنامه خوانی ایران از دیرباز تا امروز اثر فردوسی از دو منظر نگریده شده است. در دیدگاه نخست که می توان آن را «تلقی تاریخی» از داستان‌ها و کسان حماسه‌ی ملی ایران نامید، شاهنامه به طور کلی و کامل، متنی تاریخی شمرده می‌شود^(۱) که گزارش سلسله‌های شاهان حماسی-اساطیری پیشدادی و کیانی و رویدادهای زمان آن‌ها در منابع تاریخی و نیز اشاره به نشانه‌های اشخاص یا حوادث شاهنامه در نواحی گوناگون ایران^(۲) از نمودهای آن است. اعتقاد به تاریخی/واقعی بودن روایات ملی ایران- و بر سر همه‌ی آن‌ها داستان‌های شاهنامه- تا اواخر دوره‌ی قاجار رایج بوده و از این هنگام به بعد بود که با اشارات کسانی چون فرصت‌الدوله‌ی شیرازی و اعتماد السلطنه اندک اندک تفاوت میان اسطوره و تاریخ عیان شد (رک: فانی ۱۳۸۱: ۱۵). اما با این حال، هنوز برخی از پژوهشگران (اعم از ایرانی و غیر ایرانی) سراسر شاهنامه را تاریخ واقعی ایران به زبان رمز و داستان می‌دانند (برای نمونه، رک: پژوم شریعتی ۱۳۷۸؛ جنیدی ۱۳۷۴) و یا حداقل می‌کوشند بعضی شخصیت‌ها و روایات حماسی-اساطیری آن را با نمونه‌های تاریخی تطبیق کنند. (رک: Bivar 2000: 21-23).

تلقی دیگر (دوم) دقیقاً برعکس دیدگاه مذکور است و شاهنامه را «سر به سر دروغ» و «سمر» می‌داند (رک: فرخی ۱۳۸۵: ۳۳۴؛ امیرمعزی ۱۳۱۸: ۲۶۸). البته این تعابیر در شعر امثال فرخی و معزی به منظور خوش آمد ممدوح به کار رفته است و چه بسا صرف نظر از جنبه‌ی تعریفی آن‌ها، باور باطنی گویندگان آن‌ها نباشد، ولی در هر صورت، نگاهی متفاوت و متضاد با گفته‌ی خود فردوسی را که «تو این را دروغ و فسانه‌مدان» عرضه می‌کند. در میان معاصران هم محققانی در این که شاهنامه دارای آگاهی‌های تاریخی باشد، تردید کرده‌اند (رک: Omidstalar 2001: 23).

در بین این دو دیدگاه که تأکید کامل بر هر یک به دور از افراط غیر علمی، یک سو نگر و محدود کردن زمینه و ساختار شاهنامه نیست، برداشت معتدل و میانه این است که شاهنامه «حماسه»‌ای است که بخش‌هایی از آن، زمینه/بنیان «اساطیری» دارد و در پاره‌ای دیگر اخبار «تاریخی»- به طور ناب و یا ضمن داستان (حماسه و اسطوره)- دیده می‌شود. عالمانه‌ترین تحلیل شاهنامه از این منظر در مقاله‌ی ممتنع «بنیان اساطیری حماسه‌ی ملی ایران» از دکتر سرکاراتی است که در آن به نقد مستدل

شماری از تلقی‌ات تاریخی از شاهنامه پرداخته و سپس، مبنای اساطیری داستان‌های آن از آغاز تا پایان پادشاهی کیخسرو نشان داده شده است (رک: سرکاراتی ۱۳۷۸: ۷۱-۱۱۲).

بر اساس این نظریه، می‌توان شاهنامه را همچون منبعی تاریخی نیز مورد استفاده و استناد قرار داد و مطابق با یک تقسیم‌بندی صوری / ساختاری - که البته پایه‌ی علمی پذیرفتنی ندارد، ولیکن در پژوهش‌های شاهنامه‌شناختی متداول است - روایات آن را از پادشاهی‌های بعد اصطلاحاً بخش تاریخی یا تاریخی گونه می‌دانند. همچنان که از صفت «تاریخی گونه» برمی‌آید، هرگز نباید به همه‌ی رویدادها و اشخاص این بخش شاهنامه به دیده‌ی تاریخ واقعی محض نگریست، اما با کنار گذاشتن شاخ و برگ داستان و بن‌مایه‌های حماسی، اساطیری و آیینی که در آمیختن آن‌ها با تاریخ در متنی مانند شاهنامه از ویژگی‌های لازم و بدیهی است، بسیاری از گزارش‌های این ادوار به ویژه در روزگار ساسانیان از اعتبار و اصالت تاریخی بهره‌مند است و به نظر نگارنده، تا کنون چنان که باید در تحقیقات تاریخ ایران باستان مورد توجه انتقادی و مقایسه‌ای واقع نشده است. در تأیید اهمیت شاهنامه برای مطالعات ساسانی‌شناسی و لزوم مراجعه‌های دقیق به آن نقل نظر دکتر خالقی مطلق کافی است که «درباره‌ی تاریخ ساسانیان ما دارای مآخذی به زبان‌های یونانی و لاتینی و ارمنی و سریانی و پهلوی و عربی و فارسی هستیم، ولی مطالب شاهنامه حتی پس از کنار گذاشتن افسانه‌ها و شرح و بسط‌های شاعرانه‌ی آن باز از نظر مقدار بر مطالب آثار دیگر می‌چربد» (خالقی مطلق ۱۳۸۱: ۱۰۱).

یکی از نمونه‌های درخور ذکر برای فواید تاریخی شاهنامه در حوزه‌ی مسایل عصر ساسانی، اشاره به تاریخ (روز و ماه) کشته شدن یزدگرد سوم است که نخستین بار با دقت شادروان دکتر ماهیار نوآبی در ضبط محرف واژه‌ای از یک مصراع بازیابی و روشن شده است. نکته بسیار جالب توجه این که در میان انبوه مآخذ ساسانی پژوهی، شاهنامه یگانه منبعی است که این اشاره‌ی باریک تاریخی در آن یافته می‌شود. (رک: ماهیار نوآبی ۱۳۵۷: ۳۸-۴۳).

مشابه دیگر این موضوع، تصریح دقیق به روز و ماه تاج‌گذاری چند پادشاه ساسانی است که در حدود جستجوهای نگارنده در منابع مختلف (چه متون تاریخی کهن و متأخر و چه پژوهش‌های معاصران)^(۳)، همچون نمونه‌ی پیشین (تاریخ کشته شدن یزدگرد سوم) ظاهراً فقط در شاهنامه آمده^(۴) و شاید به همین سبب، از نظر محققان تاریخ دوره‌ی ساسانی پنهان مانده است.

می دانیم که اصلی ترین مأخذ فردوسی، شاهنامه‌ی منشور ابومنصوری بوده و این اثر، چنان که از گزارش فردوسی در دیباچه‌ی شاهنامه معلوم می شود، از گردآوری و تدوین پاره های پراکنده‌ی خدای نامه‌ی پهلوی^(۵) - و نیز روایات پهلوانی و ملی از چند منبع دیگر - فراهم آمده بوده است. بر این اساس خدای نامه به میانجی شاهنامه‌ی ابومنصوری، مأخذ باواسطه‌ی شاهنامه است. از سوی دیگر، خدای نامه مهم ترین اثر تاریخی روزگار ساسانیان است که تدوین آن از دوره‌ی انوشیروان یا خسرو پرویز آغاز شده بود و به تدریج در زمان شهریاران دیگر هم مطالبی بر آن افزوده می شد؛ به طوری که حتی داستان کشته شدن یزدگرد سوم پس از سقوط سلسله‌ی ساسانی در آن گنجانده شده است. پس تردیدی نمی توان داشت که یکی از عناصر تشکیل دهنده‌ی خدای نامه اخبار تاریخی شاهان ساسانی بوده (رک: تفضلی ۱۳۷۶: ۲۶۹-۲۷۴؛ Shapur Shahbazi 1990: 208- 228) که طبعاً به دلیل تحریر کتاب در همان دوران، از دقت و درستی بیشتری برخوردار بوده است و چون شاهنامه بخش عمده ای از این گزارش‌ها را - به واسطه - در خود دارد، نباید از اصالت و قابلیت استنادش غافل بود.

البته ساختار و صبغه‌ی حماسی - اساطیری شاهنامه از یک سو و از طرف دیگر، اغراق‌ها، مصادره به مطلوب‌ها و افسانه پردازی‌هایی که در تاریخ نگاری‌های درباری - از جمله بخش ساسانیان خدای نامه - رایج بوده است، موجب می شود که هر پژوهنده ای در استنتاج‌های تاریخی از دوره‌ی ساسانیان شاهنامه، احتیاط و دقت انتقادی بیشتری را به کار گیرد، ولی به اعتقاد نگارنده در مواردی از نوع ذکر روز و ماه بر تخت نشستن شاهان یا کشته شدن یزدگرد سوم که زمان رویدادها به روز و ماه آورده شده است، هم احتمال اشتباه، سهو یا تحریف بسیار ضعیف است و هم می توان تقریباً مطمئن بود که فردوسی این تاریخ‌ها را برای لفاظی و داستان پردازی یا از سر ضرورت وزن و قافیه و... نیاورده و اشاره‌های او دقیق و برگرفته از مأخذ خویش است که چنان که گفتیم، نهایتاً به خدای نامه‌ی ساسانی می رسد.

۲- بحث

به روایت شاهنامه، پس از این که بهرام گور (پنجم) به پیشنهاد خویش برای برگزیدن پادشاه (جانشین یزدگرد بزه کار) تاج را از میان دو شیر برمی دارد:

ز گیتی برآمد سراسر خروش بد «آذر» بُد این جشن «روز سروش»
(فردوسی ۱۳۸۴: ۴۱۱ / ۶۸۰).

مطابق این بیت تاج گذاری بهرام پنجم ساسانی ملقب به بهرام گور در روز هفدهم (سروش)^(۶) آذر ماه بوده است. نولدکه تاریخ میلادی این رویداد را (۸ اوت ۴۲۰ م) نوشته (رک: نولدکه ۱۳۷۸: ۵۱۷) که طبق قواعد تبدیل سال‌ها و جدول‌های گاهنامه‌ی تطبیقی مرحوم استاد بیرشک برابر با (۱۸) مرداد سال (۲۰۲-) ایرانی خواهد بود که با اشاره‌ی شاهنامه مطابقت ندارد. حتی اگر به پیروی از نظر یکی از محققان، سال میلادی بر تخت نشستن بهرام را به جای (۴۲۰ م) که مورد اتفاق بیشتر پژوهشگران است، (۴۲۱ م) بدانیم (رک: شمیمان ۱۳۸۱: ۴۶۹)، باز تغییر چندانی حاصل نمی‌شود و (۸ اوت) (۴۲۱ م) معادل (۱۹) مرداد (۲۰۱-) ایرانی خواهد بود.

نظامی در هفت پیکر در داستان بر تخت نشستن بهرام گور گفته است:

در «دهم، ماه» و در ششم، بهرام مجلس آراسته به تیغ و به جام

(نظامی ۱۳۷۸: ۶۶۹/۲)

ورود ماه به برج دهم از بروج دوازده گانه برابر با «دی» ماه است و این با گزارش شاهنامه یک ماه تفاوت دارد. نگارنده احتمال می‌دهد که چون در بیت‌های قبل و بعد این بیت، نظامی به توصیف شاعرانه‌ی طالع سعد و نیک هنگامی تاج گذاری بهرام گور پرداخته است،^(۸) منظور او از بیت یاد شده نیز تنها توصیف بوده، نه اشاره‌ی دقیق تاریخی و شاید نتوان این بیت را مستند استواری برای بحث تاریخی قرار داد. هر چند که در صورت اصالت تاریخی بیت و پذیرش دی ماه برای آغاز پادشاهی بهرام - حداقل طبق منبع یا گزارشی دیگر غیر از مأخذ شاهنامه و اشاره‌ی فردوسی - اختلاف این اشاره با تاریخ مذکور در اثر نولدکه بیشتر از تفاوت آن با روایت شاهنامه خواهد بود.

انوشیروان (خسرو اول) بعد از نشستن بر تخت شهریاری ایران و بیان خطبه‌ی فرمانروایی نامه‌ی او به کارداران باج و خراج می‌نویسد که در سرآغاز آن به روز و ماه تاج گذاری او اشاره شده است:

نخستین سر نامه بود از مهست شهنشاه کسرای یزدان پرست
که بر روز «بهرام خرداد ماه» که یزدانش داد از جهان تاج و گاه

(فردوسی ۱۳۸۶: ۹۶/۱۰۹ و ۱۱۰)

شروع سلطنت انوشیروان را سال (۵۳۱ م) نوشته‌اند (برای نمونه، رک: شمیمان ۱۳۸۴: ۵۷) که برابر سال (۹۱-) ایرانی است و بر این مبنا انوشیروان در روز بیستم خرداد سال (۹۱-) ایرانی تاج بر سر گذاشته است. نولدکه آغاز فرمانروایی او

۶ / روز و ماه تاج گذاری چند شهریار...

را (۱۲) ژانویه (۵۳۱ م) و جلوس قطعی اش را بر تخت پادشاهی (۱۳) سپتامبر همان سال میلادی نوشته (رک: نولدکه ۱۳۷۸: ۵۱۷) که به ترتیب مقارن (۲۲) تیر و (۲۴) شهریور (۹۱-) ایرانی است و با شاهنامه تفاوت دارد.

ضبط مصراع نخست بیت دوم فردوسی در نسخه‌ی بریتانیا (۸۹۱ ه.ق) به صورت «بُید «رام» روز و به خورداد شهر» (فردوسی ۱۳۸۶: ۹۶/ زیرنویس ۷) است و چون «رام» نام روز بیست و یکم هر ماه است، اختلاف یک روزی این نسخه بدل هم به تطبیق اشاره‌ی شاهنامه و تحقیق نولدکه سودی نمی‌رساند.

انوشیروان در اواخر پادشاهی اش نامه‌ی ای به پسرش هرمزد (هرمز چهارم) می‌نویسد و او را در خرداد روز (نام روز ششم هر ماه) به جانشینی خویش برمی‌گزیند:
به ماه خجسته به «خرداد روز» به نیک اختر و فال گیتی فروز
نهادیم بر سر ترا تاج زر چنان هم که ما یافتیم از پدر
(فردوسی ۱۳۸۶: ۴۰۵/ ۳۸۷۴ و ۳۸۷۵)

در شاهنامه و هیچ یک از مآخذ دیگر- در حدود بررسی‌های نگارنده- «ماه» این رویداد نیامده است و معلوم نیست هرمزد در ششم کدام ماه جانشین انوشیروان شده است. نولدکه تاریخ آغاز فرمانروایی او را (۳۰) ژوئن (۵۷۸ م) و سال قطعی جلوس وی را فوریه‌ی (۵۷۹ م) نوشته است (رک: نولدکه ۱۳۷۸: ۵۱۷) که بر این اساس سی ژوئن (۵۷۸ م) برابر دوازده تیر سال (۴۴-) ایرانی خواهد بود^(۹) و این (روز دوازدهم) با اشاره‌ی شاهنامه شش روز اختلاف دارد.

در شاهنامه میان نامه‌ی کسری به فرزندش و مرگ او و شروع سلطنت هرمزد چند داستان دیگر روایت شده است و این پرسش را پیش می‌آورد که انتخاب هرمزد به ولی عهدی انوشیروان در همان سال (۵۷۸ م) بوده یا اینکه این کار یک یا چند سال پیش از آن تاریخ و درگذشت انوشیروان صورت گرفته است؟ اگر فرض کنیم که انوشیروان در همان سال (۵۷۸ م) و چند روز پیش از آغاز شاهی هرمزد او را جانشین خود کرده است، می‌توان حدس زد که این کار در ششم (خرداد روز) تیر ماه سال (۴۴-) ایرانی انجام گرفته که برابر است با (۲۴) ژوئن (۵۷۸ م)، اما اگر این انتخاب یکی دو سال پیشتر صورت گرفته باشد، مطابق با جدول تطبیقی ماه‌های مختلفی به دست خواهد آمد.

بهرام چوبین (بهرام ششم) سردار اشکانی نژادِ هرمزد که علیه او و نیز پسرش شوریده است، در دوره‌ی خسرو پرویز بر تخت می‌نشیند و تاج ساسانیان را بر سر می‌نهد. در شاهنامه تاریخ پادشاهی بهرام چوبین یازدهم آذر ماه ذکر شده است:

به «آذر مه» اندر بُد و «روز هور»
که از شیر پردخته شد پشت گور

(خالقی ۱۳۸۶: ۶۷/۸۶۹)

مایکل مورونی و شادروان دکتر شاپور شهبازی زمان ورود بهرام چوبین به پایتخت ساسانیان و تاج گذاری او را «تابستان» سال (۵۹۰ م) نوشته و برای این تاریخ مأخذی نیز نیاورده اند (Morony 1997: 79, Shapur Shahbazi 1989: 521). نولدکه هم به طور دقیق تر (۲۷) ژوئن (۵۹۰ م) ذکر کرده (رک: نولدکه ۱۳۷۸: ۵۱۷) که با (۹) تیر (۳۲-) ایرانی برابر است و احتمالاً منبع دو پژوهشگر یاد شده نیز همین اشاره‌ی نولدکه بوده است. در هر حال، این تاریخ با یازدهم آذر ماه شاهنامه، هم در روز و هم در ماه مغایر است.

در سلسله‌ی ساسانی، بهرام چوبین از شهریاران رسمی این خاندان به شمار نمی‌آمده و سپهسالاری شورشگر و غاصب دانسته می‌شده است که قطعاً مورد علاقه و احترام خسرو پرویز - که آغاز تدوین خدای نامه طبق نظریه‌ی ای در روزگار او بوده - و دیگر فرمانروایان پس از او نبوده است. بر همین پایه و نیز با توجه به این قرینه که ابن ندیم در الفهرست، کتاب اخبار بهرام چوبین را به صورت منبعی مستقل و جدا از خدای نامه معرفی کرده است، احتمالاً روایات مربوط به بهرام چوبین یا در خدای نامه‌ی ساسانی نبوده و یا گزیده‌هایی از آن به اختصار آورده شده بود. (در این باره، رک: تفضلی ۱۳۷۶: ۲۷۴؛ ریاحی ۱۳۷۵: ۶۰).

از این روی می‌توان حدس زد که شاید مدوّنان شاهنامه‌ی ابومنصوری در گزارش مفصل سرگذشت بهرام چوبین از اصل پهلوی کتاب بهرام چوبین یا ترجمه‌ی عربی آن (درباره‌ی این کتاب و برگردان عربی آن، رک: صفا ۱۳۶۳: ۴۳؛ کریستن سن ۱۳۸۳: ۴۲-۴۷) استفاده کرده اند و در نتیجه، روز و ماه تاج گذاری او نیز در شاهنامه برخلاف تاریخ بر تخت نشستن سایر شهریاران ساسانی مستند بر خدای نامه‌ی پهلوی نیست و احتمالاً به واسطه‌ی منبع منشور، از اصل یا ترجمه‌ی کتاب بهرام چوبین گرفته شده است. درباره‌ی احتمال بهره‌گیری فراهم آورندگان شاهنامه‌ی ابومنصوری از کتاب بهرام چوبین باید توجه داشت که مأخذ تدوین این شاهنامه‌ی منشور جز از بخش‌های موجود خدای نامه و دفتر پهلوانی آزاد سرو، چند رساله‌ی

پهلوی و نیز ترجمه های عربی بعضی از متن های پهلوی بوده است (رک: خالقی مطلق ۱۳۸۱ الف: ۱۵۸-۱۶۰).

خسرو پرویز پس از سی و هشت سال، از پادشاهی عزل و زندانی می شود و پسرش شیرویه (قباد دوم) به جای او می نشیند. تاریخ این واقعه در دو بیت زیر ذکر شده است:

کجا «ماه آذر» بُد و «روز دی» گه آتش و مرغ بریان و می
قباد آمد و تاج بر سر نهاد به آرام بر تخت بنشست شاد

(فردوسی ۱۳۸۶ الف: ۳۱۹/۴۱۰۴)

در جای دیگری از شاهنامه هم خود خسرو پرویز اشاره می کند که نامه ای از رای هند به قباد/ شیرویه آمده و در آن نوشته شده بود:

که چون «ماه آذر» بُد و «روز دی» جهان را تو باشی جهاندار کی
شده پادشاهی پدر سی و هشت ستاره بر این گونه خواهد گذشت
درخشان شود روزگار بهی تو تاج بزرگی به سر بر نهی

(فردوسی ۱۳۸۶ الف: ۳۳۶ و ۳۳۷/۱۶۸-۱۷۰)

در این هر دو مورد، تاریخ تاج گذاری شیرویه/ قباد روز دی آذر ماه دانسته شده است؛ ولیکن چون در تقویم زرتشتی نام روزهای هشتم، پانزدهم و بیست و سوم هر ماه «دی» است، نمی توان به یقین گفت که این کار در کدام روز بوده است. ایرانیان باستان برای تشخیص هر یک از این سه روز، آن را به نام روز بعد می افزودند و مثلاً روز هشتم را «دی به آذر» می گفتند که «آذر» نام روز نهم است و یا روز پانزدهم را «دی به مهر» که «مهر» نام روز شانزدهم است (رک: نبئی ۱۳۸۵: ۱۰۵ و ۱۰۶)، اما فردوسی نام روز را به طور مطلق، «دی» آورده و موجب ابهام شده است.

نولدکه آغاز پادشاهی قباد/ شیرویه را یک بار هفدهم و در جای دیگر هجدهم ژوئن سال (۶۳۷ م) نوشته (رک: نولدکه ۱۳۷۸: ۴۵۸ و ۵۱۷) و این برابر است با (۳۰) و (۳۱) خرداد سال (۶) ایرانی. سال قطعی جلوس او نیز در اثر نولدکه (۲۵) فوریه (۶۲۸ م) (رک: همان: ۵۱۷) مقارن با (۹) اسفند سال (۷) ایرانی است. مورونی و فرای نیز به همین تاریخ فوریه (۶۲۸ م) اشاره کرده اند^(۱۰) (رک: فرای ۱۳۸۳: ۲۶۷؛ Morony 1997: 80). چنان که ملاحظه می شود، هیچ کدام از این تاریخها (سی-ام، سی و یکم و نهم) با روزهای موسوم به دی مطابقت ندارد، اما اگر تاریخ میلادی

تاج گذاری قباد/ شیرویه (۲۶) نوامبر یا (۳) و (۱۰) دسامبر (۶۲۸ م) انگاشته شود، به ترتیب با ۸، ۱۵ و ۲۳ آذر مقارن خواهد بود.

گواه دیگری که آذر ماه گفته شده در شاهنامه را تأیید می کند، اشاره ای از تاریخ طبری است که زمان کشته شدن خسرو پرویز را - که قباد/ شیرویه پس از آن بر تخت نشسته - «آذر ماه» نوشته است (رک: طبری ۱۳۸۴: ۲۴۹). منتها طبری روز این رویداد را «ماه روز = روز دوازدهم» آورده که از سه روز معروف به دی در تقویم زرتشتی، به «دی به مهر = پانزدهم» نزدیک تر است و اگر این احتمال را بپذیریم که قباد/ شیرویه در همان روز کشته شدن پدر بی درنگ تاج بر سر نگذاشته و چند روز بعد این کار را انجام داده است، روز پانزدهم و نیز بیست و سوم (دی به دین) برابر با سوم و دهم دسامبر (۶۲۸ م) مقبول تر است.

همان گونه که دیدیم، در شاهنامه تاریخ تاج گذاری چند شهریار ساسانی مطابق با نام روز و ماه در گاه شماری زرتشتی داده شده است و این از آن روی است که ساسانیان در تاریخ گذاری روز و ماه از تقویم زرتشتی استفاده می کردند (رک: بیکرمان ۱۳۸۱: ۱۹۷ و ۱۹۸) و در واقع، در خدای نامه نیز ذکر زمان وقایع به همین صورت بوده است.

۳- نتیجه

نگارنده با اعتراف کامل - و به دور از هر گونه تعارف و تواضع - به تهی مایگی علمی در دو حوزه‌ی تخصصی ساسانی شناسی و گاه شماری، این گفتار کوتاه را تنها مقدمه ای برای طرح موضوع می داند و با تأکید بر نکته‌ی مورد اشاره در یادداشت شماره‌ی چهارم مقاله و نمونه های آن در بحث مربوط به هر یک از شهریاران، متخصصان فن را به بررسی این مسأله فرا می خواند که چرا روز و ماه میلادی شروع فرمانروایی چند پادشاه ساسانی در تحقیق ارزشمند نولد که با روز و ماه ایرانی مذکور در شاهنامه مطابقت ندارد؟ آیا نولد که دچار سهو شده است؟^(۱۱) یا گزارش فردوسی درست نیست؟ و یا اینکه سبب این اختلاف در دقایق تقویمی و محاسبات ویژه‌ی گاه شمارانه نهفته است؟^(۱۲)

پاسخ هر چه باشد، این سوال همچنان باقی می ماند که چرا شاهنامه پژوهی مانند نولد که در بحث «گاه شماری ساسانیان» به اشارات مربوط در حماسه‌ی ملی ایران و مغایرت آن‌ها با تاریخ‌های میلادی پژوهش خویش توجه نکرده است؟ نشانه‌ی دیگر

این عدم توجه در بخش یزدگرد سوم است که پایان شهریاری و کشته شدن او را بدون ذکر روز و ماه واقعه فقط سال (۶۵۱ م) یا (۶۵۲ م) آورده است (رک: نولدکه ۱۳۷۸: ۴۶۱ و ۵۱۷)، در صورتی که اگر به مصراع مربوط در شاهنامه دقت می کرد^(۱۳) (رک: ماهیار نوایی ۱۳۵۷: ۳۸-۴۳۹)، می توانست با تبدیل سی ام خرداد ماه مذکور در آن، به هفدهم ژوئن برسد و تاریخ دقیق موضوع را روشن کند.

یادداشت‌ها

۱. پیشینه طرح این دیدگاه پیش از همه به خود فردوسی می رسد: تو این را «دروغ» و «فسانه» بدان به یکسان روشن زمانه بدان از او هرچه اندر خورد با خرد دگر بر ره رمز معنی برد (فردوسی ۱۳۶۸: ۱۲/۱۱۳ و ۱۱۴)
۲. مواردی مانند: نرویدن سبزه در محل اژدها کشتی سام در طبرستان، نشان دادن گور رستم و زال و ویرانه های ایوان آن‌ها در زابلستان، چاه بیژن در شهر شابر، خاکستر آتش آزمون سیاوش در ابرقو و یافتن گنجینه‌ی منوچهر در عصر حکومت حسن بن یحیی علوی و... (به ترتیب، رک: ابن اسفندیار: ۸۲-۸۹؛ طوسی ۱۳۸۲: ۲۳۰؛ قزوینی ۱۳۷۳: ۱۹۲، ۶۸۲ و ۶۸۳؛ آملی ۱۳۴۸: ۱۹) نمونه های مشابه این گونه اشارات و معتقدات را در میان معاصران می توان در بخش‌های مختلف کتاب فردوسی نامه‌ی شادروان استاد سید ابوالقاسم انجوی شیرازی دید.
۳. فهرست کامل منابعی که برای یافتن روز و ماه آغاز فرمانروایی چند پادشاه مورد بحث در این گفتار بررسی شده، در کتاب نامه‌ی مقاله آمده است.
۴. نولدکه روز و ماه آغاز فرمانروایی شاهان ساسانی را به تقویم میلادی آورده (رک: نولدکه ۱۳۷۸: ۴۲۷-۴۶۱ و ۵۱۷) و به اشارات شاهنامه که طبق گاه شماری ایرانی است، توجه نکرده است. نکته‌ی بسیار مهم و تأمل برانگیز که در دنباله‌ی مقاله خواهیم داد، این است که بر اساس قواعد تبدیل تاریخ میلادی به ایرانی و نیز به استناد جدول تطبیقی مرحوم استاد بیرشک، هیچ یک از تواریخ (روز و ماه) میلادی مذکور در اثر نولدکه با روز و ماه ایرانی داده شده در شاهنامه مطابقت ندارد.
۵. یکی «نامه» بود از گه باستان فراوان بدو اندرون داستان پراکنده در دست هر موبدی از او بهره ای نزد هر بخردی یکی پهلوان بود دهقان نژاد دلیر و بزرگ و خردمند و راد... ز هر کشوری موبدی سالخورد بیاورد «کین نامه را گرد کرد» (فردوسی ۱۳۶۸: ۱۲/۱۱۵-۱۱۷ و ۱۱۹)
۶. در گاه شماری زرتشتی هر یک از سی روز ماه نام ویژه‌ی خود را دارد و «سروش» روز هفدهم هر ماه است.

۷. نشانه‌ی منفی پیش از عدد سال بدین معنی است که آن سال مربوط به پیش از مبدأ (سال یک هجری شمسی) است.

۸. ابیات مورد نظر این است:

طلعی پایدار و ثابت و سخت	اسدی بود کرده طالع تخت
در قران با عطاردش پیوندد	آفتابی در اوج خویش بلند
خانه از هر دو گشته چون فردوس	زهره در ثور و مشتری در قوس
سخته از خاک تا به کیوان گنج	... دست کیوان شده ترازو سنج

(نظامی ۱۳۷۸: ۳/۶۹۹-۷و۵)

۹. به استناد نوشته‌ی نولدکه ماه و روز قطعی بر تخت نشستن او هم بین ۱۵ بهمن تا ۱۳ اسفند (۴۳-) ایرانی خواهد بود.

۱۰. دینوری تاریخ آغاز پادشاهی قباد/ شیرویه را یک بار سال نهم هجرت پیامبر (ص) و بار دیگر هنگام رحلت ایشان نوشته است (رک: دینوری ۱۳۸۴: ۱۳۷ و ۱۴۱). این دو تاریخ به ترتیب معادل سال (۶۳۰ م) و (۶۳۲ م) و غیر از تاریخ مشهور و پذیرفته شده برای مبدأ پادشاهی قباد/ شیرویه است.

۱۱. زنده یاد دکتر زریاب خوبی در مقدمه‌ی خویش بر ترجمه‌ی کتاب نولدکه نوشته اند: «مطالبی که نولدکه درباره‌ی گاهشماری ساسانیان نوشته است همچنان معتبر است و علی رغم بعضی ایرادات، تحقیقات بعدی صحت آن را تأیید کرده است.» (نولدکه ۱۳۷۸: ۴ مقدمه‌ی مترجم).

۱۲. مثلاً نکته‌هایی نظیر: وجود اندرگاه (خمسه‌ی مسترغه) و کیسه یا این موضوع که ساسانیان مبدأ تاریخی نداشتند و تعیین تاریخ را طبق سال‌های فرمانروایی هر پادشاه انجام می دادند. (رک: بیکرمان ۱۳۸۱: ۱۹۵) و ...

۱۳. این مصراع و بیت آن در شاهنامه‌ی تصحیح دکتر خالقی مطلق چنین است:

شبانگاه «انیران خرداد ماه» سوی آسیا رفت نزدیک شاه

(فردوسی ۱۳۸۶ الف: ۶۶۶/۶۵۳)

کتابنامه^۱

۱. آملی، مولانا اولیاء الله، (۱۳۴۸)، **تاریخ رویان**، تصحیح و تحشیه‌ی دکتر منوچهر ستوده، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، چاپ اول
۲. ابن اثیر، عزالدین، (۱۳۷۰)، **الکامل**، برگردان دکتر محمدحسین روحانی، تهران، اساطیر، چاپ اول.

۱. این فهرست شامل دو دسته از منابع است. نخست مآخذی که در متن مقاله به آن‌ها استناد شده و ارجاع داده شده است. دوم متون و مقالاتی که نگارنده برای یافتن روز و ماه تاج گذاری شهریاران ساسانی آن‌ها را بررسی کرده است. آوردن نام و مشخصات این گروه از منابع برای آگاهی خوانندگان از محدوده‌ی جستجوی نگارنده و احیاناً مراجعه به مآخذ دیگر و پرهیز از دوباره کاری، برای تکمیل این گفتار کوتاه و مقدماتی است.

۳. ابن اسفندیار، بهاء‌الدین محمد، (بی تا)، **تاریخ طبرستان**، تصحیح عباس اقبال، تهران، کلاله‌ی خاور.
۴. اصفهانی، حمزه بن حسن، (۱۳۶۷)، **تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک الارض و الانبیا)**، ترجمه‌ی دکتر جعفر شعار، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم.
۵. امیرمعزی، ابوعبدالله محمد، (۱۳۱۸)، **دیوان**، تصحیح عباس اقبال، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
۶. بلعمی، ابوعلی محمد، (۱۳۸۵)، **تاریخ بلعمی**، تصحیح محمدتقی بهار، به کوشش محمد پروین گنابادی، تهران، زوآر، چاپ سوم.
۷. بیرشک، احمد، (۱۳۷۳)، **گاهنامه‌ی تطبیقی سه هزار ساله**، تهران، بنیاد دانشنامه‌ی بزرگ فارسی، چاپ دوم.
۸. بیرونی، ابوریحان، (۱۳۸۶)، **آثار الباقیه**، ترجمه‌ی اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، چاپ پنجم.
۹. بیکرمان، (۱۳۸۱)، «**گاهشماری**»، **تاریخ ایران (از سلوکیان تا فروپاشی ساسانیان)**، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده: دکتر احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم، جلد سوم (قسمت دوم)، صص ۱۸۹-۲۰۴.
۱۰. پژوم شریعتی، پرویز، (۱۳۷۸)، **داستان آفرینش و تاریخ پیشدادی و کیانی در باورهای کهن ایرانی**، تهران، هونام، چاپ اول.
۱۱. تفضلی، احمد، (۱۳۷۶)، **تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام**، به کوشش دکتر ژاله آموزگار، تهران، سخن، چاپ اول.
۱۲. ثعالبی، حسین بن محمد، (۱۳۷۲)، **شاهنامه‌ی کهن** (پارسی تاریخ غررالسیر)، پارسی گردان سید محمد روحانی، مشهد، دانشگاه فردوسی، چاپ اول.
۱۳. جنیدی، فریدون، (۱۳۷۴)، **زندگی و مهاجرت آریاییان بر پایه‌ی گفتارهای ایرانی**، تهران، بنیاد نیشابور، چاپ دوم.
۱۴. حسینی قزوینی، شرف‌الدین فضل‌الله، (۱۳۸۳)، **المعجم فی آثار ملوک العجم**، به کوشش احمد فتوحی نسب، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
۱۵. خالقی مطلق، جلال، (۱۳۸۱)، «**اهمیت شاهنامه‌ی فردوسی**»، **سخن‌های دیرینه**، به کوشش علی دهباشی، تهران، افکار، چاپ اول، صص ۹۷-۱۱۰.
۱۶. _____، (۱۳۸۱ الف)، «**بدیهه سرایی شفاهی و شاهنامه**»، **جستارهای شاهنامه‌شناسی و مباحث ادبی**، دکتر محمود امیدسالار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، چاپ اول، صص ۱۵۳-۱۶۶.
۱۷. خواندمیر، (۱۳۸۰)، **تاریخ حبیب‌السیر**، زیر نظر دکتر دبیرسیاقی، تهران، خیام، چاپ چهارم.
۱۸. دریایی، تورج، (۱۳۸۴)، **شاهنشاهی ساسانی**، ترجمه‌ی مرتضی ثاقب‌فر، تهران، ققنوس، چاپ دوم.
۱۹. دینوری، ابوحنیفه احمد، (۱۳۸۴)، **اخبار الطوال**، ترجمه‌ی دکتر محمود مهدوی دامغانی، تهران، نی، چاپ ششم.

۲۰. ریاحی، محمدامین، (۱۳۷۵)، **فردوسی**، تهران، طرح نو، چاپ اول.
۲۱. زریاب خویی، عباس، (۱۳۸۶)، «**ساسانیان**»، **بزم آوردی دیگر**، به اهتمام دکتر سید صادق سجّادی، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، صص ۲۳-۱۱۲.
۲۲. زرین کوب، روزبه، (۱۳۸۳)، «**بهرام چوبین**»، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ج ۱۳، صص ۱۴۴-۱۴۷.
۲۳. _____، (۱۳۸۳)، «**بهرام گور**»، **دایرة المعارف بزرگ اسلامی**، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی، چاپ اول، ج ۱۳، صص ۱۵۱-۱۵۳.
۲۴. زرین کوب، عبدالحسین، (۱۳۸۲)، **تاریخ مردم ایران** (ایران قبل از اسلام)، تهران، امیرکبیر، چاپ هشتم.
۲۵. _____ و روزبه زرین کوب، (۱۳۸۱)، **تاریخ ایران باستان** (۴): تاریخ سیاسی ساسانیان، تهران، سمت، چاپ دوم.
۲۶. سرکاراتی، بهمن، (۱۳۸۷)، «**بنیان اساطیری حماسه‌ی ملی ایران**»، **سایه های شکار شده**، تهران، قطره، چاپ اول، صص ۷۱-۱۱۲.
۲۷. شییمان، کلاوس، (۱۳۸۴)، **مبانی تاریخ ساسانیان**، ترجمه‌ی کیکاووس جهاننداری، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، چاپ اول.
۲۸. صفا، ذبیح الله، (۱۳۶۳)، **حماسه سرایی در ایران**، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم.
۲۹. طبری، ابوجعفر محمد، (۱۳۸۴)، **تاریخ الرسل و الملوک (بخش ایران از آغاز تا سال ۳۱ هجری)**، ترجمه‌ی صادق نشأت، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۳۰. طوسی، محمد بن محمود، (۱۳۸۲)، **عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات**، به اهتمام منوچهر ستوده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ دوم.
۳۱. فانی، کامران، (۱۳۸۱)، «**مروری بر تاریخ و گرایش‌های اسطوره‌شناسی در ایران**»، (**گفت و گو**)، کتاب ماه هنر، شماره‌ی ۵۱ و ۵۲، آذر و دی، صص ۱۴-۲۳.
۳۲. فرای، رن، (۱۳۸۳)، «**تاریخ سیاسی ایران در دوره‌ی ساسانیان**»، **تاریخ ایران (از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان)**، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده: دکتر احسان یارشاطر، ترجمه‌ی حسن انوشه، تهران، امیرکبیر، چاپ چهارم، جلد سوم (قسمت اول)، صص ۲۱۷-۲۷۶.
۳۳. فرّخی، ابوالحسن علی، (۱۳۸۵)، **دیوان**، به کوشش دکتر سید محمد دبیرسیاقی، تهران، زوّار، چاپ هفتم.
۳۴. فردوسی، ابوالقاسم، (۱۳۶۸)، **شاهنامه**، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر یکم، تهران، روزبهان، چاپ اول.
۳۵. _____، (۱۳۸۴)، **شاهنامه**، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق با همکاری دکتر محمود امیدسالار، دفتر ششم، نیویورک، بنیاد میراث ایران، چاپ اول.
۳۶. _____، (۱۳۸۶)، **شاهنامه**، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق با همکاری ابوالفضل خطیبی، دفتر هفتم، نیویورک، بنیاد میراث ایران، چاپ اول.
۳۷. _____، (۱۳۸۶ الف)، **شاهنامه**، تصحیح دکتر جلال خالقی مطلق، دفتر هشتم، نیویورک، بنیاد میراث ایران، چاپ اول.

۳۸. قزوینی، زکریا محمد بن محمود، (۱۳۷۳)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه با اضافات از: جهانگیر میرزا قاجار، به تصحیح و تکمیل میرهاشم محدث، تهران، امیرکبیر، چاپ اول.
۳۹. کریستن سن، آرتور، (۱۳۸۳)، داستان بهرام چوبین، ترجمه منیژه احدزادگان آهنی، تهران، طهوری، چاپ اول.
۴۰. _____، (۱۳۸۴)، ایران در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی رشید یاسمی، ویراستار دکتر حسن رضایی باغ بیدی، تهران، صدای معاصر، چاپ چهارم.
۴۱. گردیزی، ابوسعید عبدالحی، (۱۳۸۴)، زین الاخبار، به اهتمام دکتر رحیم رضازاده ملک، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
۴۲. ماهیار نوایی، یحیی، (۱۳۵۷)، «روز مرگ یزدگرد شهریار و درازای پادشاهی او»، شاهنامه شناسی، تهران، بنیاد شاهنامه، چاپ اول، صص ۳۸-۴۳.
۴۳. مجمل التواریخ و القصص، (۱۳۸۳)، تصحیح ملک الشعراء بهار، تهران، دنیای کتاب، چاپ اول.
۴۴. مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۴)، تاریخ گزیده، به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی، تهران، امیرکبیر، چاپ سوم.
۴۵. مسعودی، ابوالحسن علی، (۱۳۷۰)، مروج الذهب، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ چهارم.
۴۶. _____، (۱۳۸۱)، التنبيه و الاشراف، ترجمه‌ی ابوالقاسم پاینده، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ سوم.
۴۷. مسکویه الرازی، ابوعلی، (۱۳۶۶)، تجارب الامم، حقه و قدم له الدكتور ابوالقاسم امامی، الجزء الاول، طهران، سروش، الطبعة الاولى.
۴۸. مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۷۴)، آفرینش و تاریخ، ترجمه و تعلیقات دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی، تهران، آگه، چاپ اول.
۴۹. منفرد، افسانه، (۱۳۸۶)، «بهرام»، دانشنامه‌ی جهان اسلام، تهران، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، چاپ دوم، ج ۴، صص ۷۸۳-۷۸۸.
۵۰. میرخواند، (۱۳۸۰)، تاریخ روضة الصفا فی سیرة الانبیا و الملوك و الخلفاء، تصحیح جمشید کیانفر، تهران، اساطیر، چاپ اول.
۵۱. نبی، ابوالفضل، (۱۳۸۵)، گاهشماری در تاریخ، تهران، سمت، چاپ سوم.
۵۲. نظامی، جمال الدین الیاس، (۱۳۷۸)، کلیات خمسة (بر اساس نسخه‌ی وحید دستگردی)، تهران، علم، چاپ سوم.
۵۳. نولدکه، تئودور، (۱۳۸۷)، تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان، ترجمه‌ی عباس زریاب، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ دوم.
۵۴. نهاية الارب فی اخبار الفرس و العرب، (۱۳۷۵)، تصحیح محمدتقی دانش پژوه، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، چاپ اول.
۵۵. یعقوبی، ابن واضح، (۱۳۷۴)، تاریخ یعقوبی، ترجمه‌ی محمد ابراهیم آیتی، تهران، علمی و فرهنگی، چاپ هفتم.

56. Bivar, A.D.H.(2000), ((The Role of Allegory in the Persian Epic)), Bulletin of the Asia Institute, vol 14, pp. 19-26.

57. Klima, O, (1989), ((Bahrâm V Gôr)), Encyclopaedia Iranica, edited by Ehsan Yarshater, New York, vol 3, p.518.

58. Morony, M, (1997), ((Sâsânids)), The Encyclopaedia of Islam, E.J.Brill. Leiden. Vol 9. pp.70-83.

59. Omidsalar, Mahmoud, (2001), ((Notes on Some Women of the Shahnama)), Nâme-ye Iran-e Bâstân, vol 1, Spring and Sumer, pp.23-48.

60. Shapur Shahbazi, A, (1989), ((Bahrâm VI Čobin)), Iranica, vol 3, p.521.

61. _____, (1990), ((On the X^vadây- Nâmag)), Acta Iranica (Papers in Honour of Prof Ehsan Yarshater), 30 Leiden, pp.208-229.

62. _____, (2004), ((Hormozd IV)), Iranica, vol 12, pp.466-467.

63. _____, ((Sâsâniân Dynasty)), Iranica, (forthcoming)¹



۱. این مدخل از مداخل دانشنامه‌ی ایرانیکاست که پیش از ترتیب چاپ الفبایی مجلدات آن تألیف و در پایگاه اینترنتی این دایرة المعارف به نشانی: www.iranica.com گذاشته شده است.